

خانم مریم عمید (مزین السلطنه) (مدیر روزنامه شکوفه)*

رحمت الله نجاتی

پیش‌گفتار

مادر وجود جلیل‌القدری است که قلمها عاجز از توصیف این گوهر گرانقدر جهان هستی بوده و مقام والای وی و ارزش زحمات و مرارت‌هایش با هیچ نوشته‌ای به نحو شایسته ارج‌گذاری نخواهد شد. به‌ویژه مادرانی که علاوه بر انجام وظایف مادری، در عرصه‌های فرهنگی و امور اجتماعی و خدمات انسانی نقش‌های ارزنده و چشمگیری داشته و دارند و بدون ادعا، و تنها برای رضای پروردگار، در جهت گشایش مشکلات و رفاه و آسایش جامعه، قدمهای مفید و پرثمری برداشته‌اند، که شایسته است در مقام قدردانی و سپاس از آنان، هرچه بیشتر و بهتر مطلب نوشته و چاپ و منتشر شود. مخصوصاً که بسیاری از مادران بوده و هستند که در طول زندگی منشأ خدمات حیات‌بخش و ارزشمندی بوده‌اند، ولی در گمنامی مانده‌اند.

* این مقاله را نویسنده محترم برای درج در کتاب «ارج‌نامه مادر» یکی از فضلا مرقوم داشته بودند، چون چاپ کتاب مذکور به تعویق افتاد اجازه فرمودند در گنجینه چاپ شود. (انتشارات)

نگارنده با بضاعت مزجاة خود نخست مختصری از مادرم شادروان «مدینه علی زرگری» می‌نویسم که زنی عابد و پرهیزگار و علاوه بر آشنایی و تسلط به علوم قرآنی و تشکیل جلسات قرائت و تعلیم و آموزش رایگان، با طب سنتی و گیاهان دارویی و تجویز آن به بیماران، ید طولایی داشت و هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم که خانه ما ملجأ دردمندان به‌ویژه اطفال مریض بود و مادران اغلب کودکان بیمار خود را برای معاینه و مداوا نزد او آورده و به قول خودشان دست وی شفابخش بود و به‌خصوص که در شهر کوچک ما **دامغان** در آن زمان دو نفر پزشک بیشتر وجود نداشت و بسیاری از دردمندان به واسطه عدم تمکن مالی برای پرداخت ویزیت و دارو، اغلب در طول شبانه‌روز به ایشان مراجعه داشتند و از درمان وی نتیجه می‌گرفتند. همچنین آن بانوی بافضیلت در ساخت و پخت انواع شیرینی به‌ویژه باقلوا، فطاب، سوهان عسلی، نان آردی، نان نخودی، نان برنجی و حلوی گز و سایر شیرینی‌جات مهارت کامل داشت که به دیگران نیز آموزش داده و اکنون پس از سالها هنوز مردم ذکر خدمات و هنرهای او را دارند و برایش ارزوی امرزش و مغفرت می‌کنند.

شرح احوال خانم مزین السلطنه

به دنبال شمه‌ای از شرح احوال مادرم، به ذکر شرح حال یکی از بانوان فاضل و روشنفکر و پرتوان می‌پردازم که تاکنون به نحو شایسته به جامعه کنونی معرفی نشده و بسیاری از اشخاص آگاهی و آشنایی به زندگی پربار و مؤثر این بانوی دانشمند ندارند و او شادروان «**مریم عمید**» معروف به «مزین السلطنه» است. وی فرزند میرزا سید رضی طباطبائی سمنانی معروف به حکیم‌باشی (رئیس

الاطباء) پزشک معروف قشون ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود. او سواد خواندن و نوشتن و علوم دینی را در منزل نزد پدر دانشمندش فرا گرفت. ولی به جهت عشق و شوق به تحصیل دانش به آن مرحله اکتفا نکرد و به ادامه تحصیل و فرا گرفتن علوم و فنون مختلف نزد استادان فن پرداخت و تا پایان عمر، در این راه کوشش نمود. به طوری که نوشته‌اند: «این بانوی دانشمند حتی در روزهایی که به عنوان مادر و کدبانوی مخصوص خانه بود، دست از فعالیت در راه کسب دانش و علوم و فنون متداول زمان خود برنداشت. برای نمونه زبان فرانسه و عکاسی را در این زمان آموخت.»

در شانزده سالگی با عمادالسلطنه (سالور) از شاهزادگان قاجار ازدواج کرد ولی پس از یک سال به علت عدم توافق اخلاقی مجبور به جدایی و طلاق گردید. هفت سال بعد با یکی از اشخاص روشنفکر و دانشمند زمان خود به نام «قوام‌الحکماء» ازدواج کرد. قوام‌الحکماء همیشه در کارهای علمی و فرهنگی مشوق و یار و مددکار خانم مزین السلطنه بوده است. ضمناً حاصل این ازدواج دو فرزند بود ولی این زناشویی مدت درازی ادامه پیدا نکرد و بعد از چند سال قوام‌الحکماء دار دنیا را وداع گفت و خانم مزین السلطنه را در امر تربیت فرزندان تنها گذاشت.

اقدامات فرهنگی و اجتماعی

آن شادروان در سال ۱۳۳۱ هجری قمری برابر با ۱۲۹۲ شمسی با تأسیس مدرسه دخترانه‌ای به نام «دارالعلم والصنایع مزینیه» و انتشار روزنامه‌ای به نام «شکوفه» در تهران فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی ارزنده خود را آغاز و برای

گسترش علم و هنر در بین دختران و زنان آن زمان حرکت‌های فوق‌العاده و چشمگیری از خود نشان داد.

انتشار روزنامه شکوفه

این روزنامه در چهار صفحه منتشر و پیشانی صفحه اول شماره اول آن با این بیت زیبا و لطیف مزین شده بود:

باد آمد و بوی عنبر آورد بادام و شکوفه بر سر آورد

همچنین در داخل کادر آرم روزنامه (شکوفه) و در طرف راست آن نشانی اداره درج و نیز نوشته شده بود:

«صاحبه امتیاز و مدیره مسئول مزین السلطنه شهر ذیحجه. عجلتاً ماهی دو نمره طبع می‌شود» و در طرف چپ قیمت اشتراک یک‌ساله و شش‌ماهه در تهران و ولایات و ولایات خارجه و هزینه اعلانات ثبت و اهداف روزنامه بدین ترتیب تعیین شده بود:

«روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحة اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیة اخلاق زنان راجع به مدارس نسوان، مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد پذیرفته می‌شود».

روزنامه شکوفه که با چاپ سنگی و تصاویر و کاریکاتورهای انتقادی بسیار آموزنده اجتماعی چاپ و نشر می‌گردید، پس از روزنامه هفتگی دانش که از دهم ماه رمضان ۱۳۲۸ هجری تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ به مدیریت و صاحب امتیازی خانم دکتر کحال دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی در تهران چاپ و منتشر می‌شد، دومین روزنامه ویژه زنان بوده است که به مدیریت آن بانوی روشنفکر و

دانشمند اداره می‌شد و ناشر افکار ترقی‌خواهانه ایشان بود که هدفی جز اصلاح وضع اجتماعی زنان ایران و گسترش فرهنگ و تمدن و سواد در بین آنان نداشت و در آن زمان پیشنهادات بسیار مفید و آموزنده‌ای پیرامون گسترش دانش در بین دختران و زنان ایران به مسئولان مربوطه داده است.

شادروان استاد محیط طباطبائی در صفحه ۱۷۳ کتاب تاریخ تحلیلی مطبوعات/ایران راجع به انتشار روزنامه شکوفه نوشته است:

«پس از تعطیلی اجباری روزنامه دانش به سال ۱۳۲۹ هجری که درآمد آن کفاف جزئی از مخارج آن را نداشت خانم مزین السلطنه دختر میرزا سید رضی‌خان دکتر طباطبائی سمنانی مؤسس و مدیر مدرسه مزینیه در ذیحجه سال ۱۳۳۰ نخستین شماره روزنامه مصور شکوفه را در چهار صفحه با خط نسخ به چاپ سنگی انتشار داد و رضایت نداد که افق مطبوعات از روزنامه مخصوص زنان خالی بماند. ترتیب انتشار شکوفه پانزده روز یک نمره بود که سالی ۲۴ نمره می‌شود. صفحه چهارم شکوفه مصور بود. در شماره اولش با تصویری کار فالگیری و جام‌زنی را تقبیح می‌کند. از شماره ۵ به بعد خط روزنامه نستعلیق شده و از سال دوم به بعد با حروف سربی به چاپ می‌رسیده ولی صفحه تصویر آن باز به همان نحو سابق روی سنگ چاپ می‌شده است. کاریکاتور نمره ۸ و نمره ۱۰ با حفظ‌الصحه عمومی ارتباط دارد. نمره ۱۱ از سال سوم کاریکاتور ندارد. انتشار روزنامه به واسطه عوارض ناشی از جنگ بین‌الملل اول نامنظم شد چنانکه شماره ۱۱ آن در ذیقعه ۱۳۳۴ به چاپ رسیده بود. این روزنامه مورد تشویق و تأیید ادیب‌الممالک فراهانی بود و علاوه بر نقل اشعاری از او ممکن است در تحریر مقاله هم به خانم مدیر یاری می‌کرده است».

لازم به توضیح است که درموقع تغییر خط روزنامه به نستعلیق به طوری که مشاهده می شود در شماره مورخ بیستم شهر شوال المکرم سنه ۱۳۳۱ در صفحه اول در معرفی مدیر روزنامه و مسلک آن چنین نوشته شده:

«صاحبه امتیاز و مدیره مسئوله مزین السلطنه صبیئه مرحوم آقا سید رضی رئیس الاطباء لوایح و مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد پذیرفته می شود و اداره در حک و اصلاح آن مختار است و مکتوبات بی امضاء پذیرفته نمی شود و درج نخواهد شد».

مدرسه مزینه

بیشتر جنبش و کوشش خانم مزین السلطنه به سرپرستی و اداره مدرسه مزینه و روزنامه شکوفه اختصاص داشته است. شعار مدرسه مزینه تشویق و ترغیب زنان و دختران به درس خواندن بود و چنین اعلام شده بود: «در مقابل هر دو نفر شاگرد با شهریه یک نفر مجانی پذیرفته می شود». که همین امر نشان از افکار بلند و خیرخواهانه خانم مزین السلطنه بوده که غیرمستقیم در جلب کمک ثروتمندان و افراد بی بضاعت تأثیر داشته است.

برطبق آمار منتشر شده در روزنامه شکوفه، مدرسه مزینه دارای دو شعبه بوده، شعبه اول در سال ۱۳۳۲ قمری (۱۲۹۳ شمسی) دارای ۷۹ شاگرد (۴۰ نفر با شهریه و ۳۹ نفر مجانی) در این شعبه دختران به فرا گرفتن خواندن و نوشتن فارسی، فرانسه، عربی، تاریخ، جغرافیا، هندسه و فنون دستی مشغول و هر سال یک بار بایستی در امتحانات مربوطه شرکت نمایند.

شعبه دوم مدرسه مزینه بیشتر جنبه دارالصنایع را داشت و در آن فن

قالیبافی، جوراب‌بافی، زردوزی، توربافی، پیچه‌بافی، خیاطی و سایر فنون دستی رایج آن زمان را به دختران آموزش می‌دادند.

به‌طوری که در یکی از شماره‌های مجله شکوفه آمده، در مراسم جشن سال اول مدرسه مزینیه خطابه‌های متعدد پیرامون اقدامات درخشان خانم مزین السلطنه خوانده شده و در پایان اشعاری که توسط خانم عفت‌الزمان ناظمه مدرسه ابتدائی عفت سروده شده بود، قرائت گردیده که نشان از شهرت و اهمیت و محبوبیت مدرسه مزینه دارد و نقل آن خالی از لطف نیست.

شکر ایزد که چنین مدرسه‌ای برپا شد
 زینت علم و ادب در دو جهان پیدا شد
 صاحب مدرسه کو نام مزین باشد
 از وجودش همه علم و ادب زیبا شد
 ما همه شکر از این مدرسه او داریم
 چون که این مدرسه از همت او برپا شد
 کرده این شخص مزین همه ایران را
 از مزین همه علم و ادب زیبا شد
 نونهالان وطن را ز پر افکنده به سر
 سایه از عقل و ادب همت او والا شد
 چون که خود را به ره مدرسه فانی داند
 آفرین یگانه تن یگانه زن این بالا شد
 عفت از بهر معارف تو ز جان می‌گذری
 به تو در راه حقیقت نظر دارا شد

رئیس شعبه خیاطی مدرسه مزینیه خانمی به نام خانزاده بوده که طراحی، نقاشی و خیاطی را از پاریس آموخته بود. بانو عزت و بانو حرمت صفاءالملک، رابعه خانم برهانالملک، ذکيه خانم حائری، خانم زین العابدین رهنما، رقيه خانم و کوچک خانم حائری از معلمان مدرسه بوده‌اند. محل شعبه اول مدرسه مزینیه در باغ آصف الدوله و شعبه دوم در کوچه آب‌منگل قرار داشته است. مدیر شعبه آب منگل (شعبه دوم)، خانم صدرالحاجیه و ناظم آن زهراخانم شفاء و نیز عذرا خانم اربابزاده و شیخ فاضل نابینا (معلم فقه و اصول) و آقا خلیل خان (معلم ریاضیات)، علی قوامی فرزند حاج قوام‌الحکماء (معلم فرانسه و فیزیک) از مدرسان آن بودند.

به‌طوری که نوشته‌اند: «خانم مزین السلطنه علاوه بر سرپرستی و مدیریت دبستان و دبیرستان مزینیه، بازرس امتحانی کلیه مدارس دخترانه آن زمان بوده و در جلسه امتحان مدارس شرکت و بازرسی می‌کرده. ضمناً از این موقعیت خود برای پیشرفت فرهنگ بین نسوان متتهای استفاده را می‌نمود و همواره پیشنهادهای مفید می‌داد. برای نمونه ایجاد آموزشگاه برای تربیت معلم، تشکیل هیئت ممتحنین و تخصیص و صرف بودجه معارف برای تأسیس مدارس دولتی دخترانه برای اولین بار از آثار پیشنهادات وی می‌باشد».

وی در اواخر عمر در انجمن همت خوانین ایرانی و مدیران مدارس نسوان شرکت مؤثر داشته است. این انجمن در سال ۱۲۹۴ شمسی بنا به دعوت خانم نورالدجی، مفتش کل مدارس نسوان تشکیل گردیده بود. انجمن مزبور چند هدف داشت. هدف اول، ترویج مصرف اشیاء ساخت ایران، هدف دوم ترقی صنایع و هنرهای دختران و شاگردان مدارس. انجمن خوانین ایرانی وظیفه زنان را در دو چیز می‌دانست:

- ۱- کسب تربیت و فرا گرفتن علم و هنر
- ۲- کمک اقتصادی به شوهران از راه تشویق به استعمال و استفاده امتعه وطنی.

خانم مزین السلطنه در هنگام تأسیس انجمن مذکور روزنامه شکوفه را تقریباً به طور کلی در اختیار انجمن گذاشت و به تبلیغ هدفها و انتشار اخبار مربوط به آن مشغول گردید.

تأثیر روزنامه شکوفه در پیشرفت افکار زنان

روزنامه شکوفه از آغاز انتشار تا شماره ۱۰ سال سوم، بیشتر مقالات آن پیرامون مسأله تساوی حقوق زن و مرد و همچنین ترویج علوم و فرهنگ در بین زنان و طرز اداره مدرسه و وضع مدارس دخترانه و چگونگی پیشرفت آن و از شماره ۱۰ سال سوم تا پایان بیشتر به صورت ارگان انجمن همت خوانین و مدیران نسوان به بسط و تبلیغ نظرات انجمن پرداخته است و مسأله استقلال ملی و مبارزه با نفوذ خارجی و وظایف زنان مورد بحث قرار گرفته است.

علاوه بر این روزنامه شکوفه حاوی مقالاتی درباره مسائل اجتماعی، بهداشت عمومی، خانه داری و آشپزی و اخبار و اشعار بوده و در دوران سالهای انتشارش (۱۳۳۵-۱۳۳۱ قمری) وظیفه و نقش مؤثر خود را در بیداری زنان ایران و آگاه کردن آنان به مسائل اجتماعی به نحو بسیار چشمگیری انجام داده است. یکی از بارزترین کارهای روزنامه شکوفه مبارزه با خرافات رایج در بین زنان و تقبیح آداب و رسوم و عقاید عقب افتاده متداول در بین آنان بود که با چاپ کاریکاتورهای انتقادی اثرات سوء و عواقب وخیم آن را بیان داشته و با طرز بسیار دلنشینی آن را به باد استهزاء گرفته است.

میزان اهمیت فعالیت های خانم مزین السلطنه وقتی کاملاً برای ما روشن

می‌شود که بدانیم او تمام کارهای خانه خود را نیز شخصاً اداره می‌نموده و در راه توسعه و ادامه انتشار روزنامه که ناشر افکار مترقیانه آن زمان بوده از هیچ‌گونه کوشش و تلاش و فداکاری دریغ نداشته است حتی به گفته یکی از نزدیکانش وی یک بار تمام جا استکانهای نقره خود را فروخت تا بتواند مخارج چاپ روزنامه شکوفه را بپردازد.

دانشمند ارجمند آقای عبدالرفیع حقیقت در تاریخ سمنان ضمن شرح احوال جامع خانم مزین السلطنه نوشته است: «خانم مزین السلطنه چند کتاب از زبان فرانسه ترجمه کرده که متأسفانه اسامی آنها در دست نیست».

خانم مزین السلطنه در سوم شوال سال ۱۳۳۷ هجری قمری (سنبله ۱۲۹۸ شمسی) هنگام عزیمت برای زیارت مرقد امام رضا(ع) چند روزی در سمنان (زادگاه خود) به منظور دیدار خویشاوندانش توقف کرد و متأسفانه در اثر سکت قلبی در همان شهر زندگی را بدرود گفت و نام نیکی از او در دفتر ایام باقی ماند. در اینجا به شرح احوال این بانوی اندیشمند و ارجمند خاتمه داده و امید است این مقاله مقدمه‌ای باشد تا اهل قلم و محققان علاقمند به ابعاد مختلف زندگانی این خانم نیکوکار پرداخته و به نحو شایسته ایشان را به جامعه ایران معرفی نمایند.

منابع و مآخذ

- ۱- تاریخ سیستان، تألیف عبدالرفیع حقیقت، چاپ دوم، اسفند ۱۳۵۲ ف از انتشارات فرمانداری کل سمنان.
- ۲- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، نوشته استاد محیط طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۶۶ از انتشارات بعثت.
- ۳- یادداشتها و اطلاعات نگارنده.